

مقایسه‌ی الگوی فعالیت سیستم‌های مغزی رفتاری، تاب‌آوری و شیوه‌های حل مسئله در دختران فراری و بهنجار

فرشته پورمحسنی کلوری*
 دکترای تخصصی روان‌شناسی، استادیار،
 گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران
 مریم دشتی
 کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه
 آزاد اردبیل

*نشانی تماس: گروه روانشناسی، دانشکده
 روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران
 رایانامه: fpmohseni@yahoo.com

مقدمه: پدیده‌ی فرار دختران از خانه علل مختلفی دارد. هدف پژوهش حاضر، مقایسه‌ی سیستم‌های مغزی رفتاری، تاب‌آوری و توانایی حل مسئله در دختران فراری و بهنجار است. روش: پژوهش حاضر یک پژوهش علی-مقایسه‌ای است و جامعه‌ی آماری آن را تمامی دختران فراری مراکز اورژانس اجتماعی بهزیستی استان گیلان تشکیل می‌دهند. از میان این دختران، ۴۰ نفر داوطلبانه با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. گروه بهنجار نیز ۴۰ نفر بودند که از میان دختران دبیرستانی و همچنین دختران مجامع عمومی شهر تالش به شیوه‌ی تصادفی انتخاب شده بودند. هر دو گروه به پرسش‌نامه‌های سیستم‌های مغزی-رفتاری کارور-وایت، تاب‌آوری کانر-دیویدسون و حل مسئله‌ی اجتماعی تجدیدنظر شده پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل واریانس چندمتغیری (MANOVA) و آزمون t دو گروه مستقل تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها: تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که فعالیت سیستم فعال‌ساز رفتاری دختران فراری شدیدتر و سیستم بازداری رفتاری آنها ضعیف‌تر از گروه بهنجار است. همچنین دختران فراری بیشتر از دختران عادی از سبک جهت‌گیری منفی به حل مسئله، سبک تکانشی/بی‌احتیاط و سبک اجتنابی استفاده می‌کنند و کمتر از آنها از سبک‌های جهت‌گیری مثبت به حل مسئله و حل مسئله‌ی منطقی بهره می‌برند. نمرات تاب‌آوری دختران فراری نیز کمتر از دختران عادی است. نتیجه‌گیری: با شناسایی علل مؤثر بر فرار دختران، می‌توان دختران در معرض خطر را شناسایی کرد و در سطح فردی و خانوادگی آموزش‌های لازم را به آنان ارائه داد و به این وسیله مانع فرار آنها از خانه و پیامدهای فردی و اجتماعی آن شد.

واژه‌های کلیدی: سیستم‌های مغزی-رفتاری، تاب‌آوری، توانایی حل مسئله، دختران فراری

The Comparison Brain-Behavioral Systems, Resiliency and Problem Solving in Runaway and Normal Girls

Introduction: The run away from home in girls has a various causes. The purpose of this study is comparison brain-behavioral systems, resiliency and problem solving in run away and normal girls. **Method:** The method of study was causal-comparison. The population was all run away's girls who were kept in Gilan Welfare Centers. From among these girls, 40 were selected by accessible sampling. 40 normal subjects were among girls in public high schools city Talesh was randomly selected. Both groups completed the Inventory of Carver-White brain-behavioral systems, Connor- Davidson, Resiliency scale and Social Problem-Solving Inventory-Revised. Data analyzed using multivariate analysis of variance (MANOVA). **Results:** The results showed, behavioral activation system in run away girls more active than normal girls and behavioral inhibition system in run away girls are weaker than run away girls. The run away compared to normal girls use most of the style of negative problem orientation impulsivity carelessness and avoidance and, positive problem orientation style and rational problem solving style less benefit. Also run away girls compared to normal girls have lower scores in resiliency. **Conclusion:** identification the effective factors in run away in girls could identify girls at risk for running away and individual and family-level training offered to them thereby prevent personal and social consequences of run away.

Keywords: brain-behavioral systems, resiliency, social problem solving, run away girls

Fereshteh Pourmohseni-Koluri*
 PhD, Assistant Professor, Department of Psychology, Payam Nour University, Tehran
 Maryam Dashti
 MA in Clinical Psychology, Azad University, Ardebil Branch

*Corresponding Author:

Email: fpmohseni@yahoo.com

مقدمه

شده (۵)، سلامت روان نوجوان را به خطر انداخته و تأثیری عمیق بر مهمترین رویداد دوران نوجوانی یعنی کسب هویت برجای گذارده و در نهایت به فرار از منزل و بی‌خانمانی منجر شده است (۶).

به بیان دیگر، انباشت استرس‌های متعدد فردی، خانوادگی و اجتماعی در زندگی نوجوان، خودکنترلی وی را کاهش و احتمال فرارش را از منزل افزایش می‌دهد. خودکنترلی به توانایی فرد در ارائه‌ی پاسخ‌هایی گفته می‌شود که با آنها از ارزش‌ها، اصول اخلاقی و انتظارات اجتماعی تبعیت می‌کند تا به اهداف بلندمدت خود دست یابد (۷). سازه‌های روان‌شناختی که در خودکنترلی نقش بسزایی دارند، روی‌آوری رفتاری^۳، بازداری رفتاری^۴ و تکانش‌گری هستند (۸). روی‌آوری و بازداری رفتاری دو مؤلفه‌ی نظریه‌ی "حساسیت به تقویت"^۵ گری^۶ (۹) است. روی‌آوری رفتاری با رفتارهای گرایشی، عملکرد معطوف به هدف و عاطفه‌ی مثبت همراه است و سطح فعالیت سیستم روی‌آوری رفتاری با رفتارهای تکانش‌گرایانه مشخص می‌شود. بازداری رفتاری را نیز اجتناب از محرک‌های آزاردهنده مشخص می‌کند. رفتار تکانشی به اعمالی اشاره دارد که بدون در نظر گرفتن پیامدهای عمل در آینده صورت می‌گیرد (۱۰). روی‌آوری رفتاری (۱۱)، بازداری رفتاری (۱۲) و تکانش‌گری (۱۳)، با رفتارهای اعتیادی همچون سوء مصرف مواد، کاهش خودکنترلی و ارتکاب رفتارهای بزهکارانه ارتباط قوی دارند (۱۴).

ارگانسیم وقتی استرس را تجربه می‌کند که به این باور برسد که منابع کافی برای مقابله با چالش‌های پیش‌آمده را ندارد. این ادراک با فعال‌سازی محور مغزی هیپوتالاموس - هیپوفیز - آدرنال و سیستم سمپاتیک، باعث می‌شود تا ارگانسیم مجدداً به تعادل دست یابد (۱۵). پاسخ‌های فیزیولوژیکی به استرس‌ها، ممکن است با تغییر مسیرهای انگیزشی مغزی همچون کرتکس

فرار دختران از منزل یکی از پدیده‌هایی است که بر اثر نابسامانی محیط فردی، خانوادگی و اجتماعی به وجود می‌آید. به غیبت دختران از خانه به مدت حداقل یک شب و بدون رضایت والدین، سرپرست و وصی قانونی فرار گفته می‌شود. فرار نوعی رفتار ناسازگارانه است که در فرایند آن نوجوان، بدون اجازه‌ی والدین یا سرپرست قانونی خود، آگاهانه خانه را ترک کرده و معمولاً هم بدون میانجیگری یک میانجی باز نمی‌گردد (۱). پدیده‌ی فرار به دلیل عوامل درون فردی و یا میان فردی رخ می‌دهد، اما به هر دلیلی که اتفاق بیفتد، زمینه را برای انواع رفتارهای پرخطر مانند مانند اعتیاد و سوء مصرف مواد، ترک مدرسه، آزار جنسی و اقدام به خودکشی، بارداری ناخواسته، سقط جنین، خشونت و پرخاشگری فراهم می‌سازد (۲).

اما علت وقوع فرار نوجوانان از منزل چیست؟ یکی از نظریه‌هایی که می‌توان این پدیده را با آن تبیین کرد، نظریه‌ی فراخنای^۱ زندگی است. بر اساس این نظریه، رویدادهای استرس‌زا آسیب‌پذیری فرد را در برابر سایر رویدادهای استرس‌زا و تنیدگی‌های مزمن افزایش داده و انباشته شدن تنیدگی‌ها موجب کاهش سلامت روانی و بروز مشکلات اقتصادی می‌شود (۳). علاوه بر نظریه‌ی فراخنای زندگی، نظریه‌ی خطر و تاب‌آوری^۲، به عنوان رویکردی مکمل، هم بر انباشت خطراتی که فرد در خلال زندگی و در شرایط مختلف با آنها مواجه شده تأکید دارد و هم به مکانیسم‌های محافظت‌کننده‌ای که تاب‌آوری را در نوجوانی تقویت می‌کند، توجه دارد.

بر اساس نظریه‌ی فراخنای زندگی، دختران نوجوانی که از منزل فرار می‌کنند، با چالش‌ها و استرس‌های متعددی در خانواده‌ی خود مواجه بوده‌اند. این دختران، شاهد خشونت و بدررفتاری فیزیکی و عاطفی والدین خود بوده، در خانواده‌های آشفته و یا طلاق زندگی می‌کرده، دوستان و همسالان نابابی داشته و مشکلات تحصیلی و روابط بین فردی مبتنی بر بی‌اعتمادی و تعارض را نیز تجربه کرده‌اند (۴). این مشکلات در خلال زمان انباشته

1- Life span

2- Risk and Resiliency

3- Behavioral activation

4- Behavioral inhibition

5- Reinforcement sensitivity theory

6- Gray

پیش‌پیشانی میانی^۱، که در خودکنترلی و بازداری تکانه‌ها نقش دارد، موجب شوند افرادی که سیستم روی‌آوری فعال‌تری دارند، رفتارهای تکانشی بیشتری نشان دهند و در شرایط استرس‌آور، بیشتر درگیر رفتارهای اعتیادی و بزهکارانه شوند. تأثیر استرس بر کاهش خودکنترلی و افزایش رفتارهای بزهکارانه و رفتارهای اعتیادی، از نقش میانجی سیستم‌های روی‌آوری رفتاری، بازداری رفتاری و تکانش‌گری در کاهش خودکنترلی و افزایش رفتارهای بزهکارانه حمایت می‌کند. در همین راستا، مطالعه نشان می‌دهد که نوجوانان دارای مشکلات رفتاری هیجانی، احتمالاً، بیشتر از منزل فرار می‌کنند و نوجوانانی که ۱۲ ماه از فرارشان از منزل گذشته باشد، بیشتر از نوجوانان عادی الکل، ماری‌جوآنا مصرف می‌کنند و سوء‌مصرف مواد دارند (۱۶).

اما بر اساس نظریه‌ی خطر و تاب‌آوری، زنجیره‌ای از مشکلات و خطراتی که نوجوان با آن مواجه می‌شود، لزوماً به فرار منجر نمی‌شود، بلکه عوامل محافظت‌کننده‌ی فردی، خانوادگی یا اجتماعی می‌توانند تاب‌آوری نوجوان را افزایش داده و وی را برای مقابله و سازگاری با شرایطی که در آن قرار گرفته، آماده کند (۳). تاب‌آوری یعنی فرد علیرغم قرار گرفتن در معرض فشارهای شدید و عوامل خطرزا بتواند به‌صورت مناسبی با فشارهای محیطی سازگار شود (۱۷). بیسونت (۱۸) در پژوهشی به بررسی نقش تاب‌آوری و رفتارهای پرخطر و نحوه‌ی سازگاری با شرایط پر استرس پرداخت و نشان داد تاب‌آوری شکل مقابله‌ی فرد را تعیین کرده و وی را در برابر موقعیت‌های پرخطر ایمن می‌سازد. در واقع، تاب‌آوری با افزایش سطح عواطف مثبت، موجب تقویت حرمت خود و مقابله‌ی موفق با تجارب منفی زندگی می‌شود.

آنگر و همکارانش (۱۹) دریافتند که مهارت‌های مقابله و حل مسئله تأثیر رویدادهای استرس‌زای زندگی را بر نوجوانان کم کرده و خطر بی‌خانمانی و فرار آنها را کاهش می‌دهد، زیرا شیوه‌ی رویارویی فرد با مسئله و حل آن، از مهمترین عوامل تعیین‌کننده‌ی مواجهه با

منابع فشارزا و چالش‌انگیز دوران نوجوانی است. حل ناکارآمد مسئله، یکی از ویژگی‌های دختران فراری از منزل است؛ در واقع مجموعه عوامل هیجانی، انگیزشی و شناختی، که به‌طور کلی زمینه‌های حل مسئله و مقابله را فراهم و به فرد کمک می‌کنند تا با رویدادهای پر استرس مقابله کند، در دختران فراری با بدکاری، که از زمینه‌های ریسک‌پذیری این پدیده است، روبه‌رو می‌شود (۲۰). نتایج پژوهش کووک و همکاران (۲۱) در زمینه‌ی نحوه‌ی حل مسئله و مقابله‌ی فرد با رفتارهای پرخطر نشان داد که حل مسئله می‌تواند سازگاری یا ناسازگاری فرد را به‌طور معناداری پیش‌بینی کند.

از آنجا که ۳۱ درصد جمعیت ایران در دامنه‌ی سنی ۱۵ تا ۲۹ قرار دارند (۲۲) و بدون شک پیشرفت این جامعه‌ی جوان برای آینده‌ی اقتصادی و اجتماعی کشور بسیار مهم است و از سوی دیگر در سال‌های اخیر، پدیده‌ی فرار از خانه در میان دختران افزایش قابل توجهی داشته و به‌عنوان یکی از مشکلات حاد ایران مطرح شده (۲۳)، پیامدهای فرهنگی، خانوادگی و اجتماعی آن، توجه محققان، روان‌شناسان، سیاست‌گذاران و افکار عمومی را به این پدیده معطوف ساخته است. به‌همین دلیل، پژوهش حاضر با بررسی عوامل مؤثر بر بروز این پدیده، درصد پاسخ‌گویی به این سؤال برآمد که آیا سیستم‌های مغزی- رفتاری، توانایی حل مسئله و تاب‌آوری دختران فراری و غیرفراری با هم تفاوت دارد؟

روش

طرح پژوهش حاضر از نوع علی-مقایسه‌ای بود و جامعه‌ی پژوهش را دو گروه تشکیل می‌دادند. گروه دختران فراری، دخترانی بودند که در نیمه‌ی اول سال ۱۳۹۴، در مراکز اورژانس بهزیستی استان گیلان زندگی می‌کردند و در دامنه‌ی سنی ۱۵ تا ۲۵ قرار داشتند. گروه دختران بهنجار، دختران مشغول به تحصیل در مقطع دبیرستان و همچنین دختران حاضر در مجامع عمومی

1- Medial prefrontal cortex

فعالانه ی اهداف مطلوب و جست و جوی سرگرمی، تمایل فرد به انجام فعالیت های بالقوه پاداش دهنده را نشان می دهد. جانسون و همکاران (۲۵)، ثبات درونی خرده مقیاس سیستم بازیابی رفتاری را ۰/۷۴ و ثبات درونی سه خرده مقیاس پاسخ دهی به پاداش، کشاننده و جست و جوی سرگرمی را به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۷۶ و ۰/۶۶ گزارش کردند. همچنین در مطالعه ی عطری فرد (۲۶)، ثبات درونی خرده مقیاس سیستم بازداري رفتاری و خرده مقیاس های پاسخ دهی به پاداش، کشاننده و جست و جوی سرگرمی به ترتیب ۰/۴۷، ۰/۴۷ و ۰/۷۳ و ۰/۶۰ به دست آمد. در این پژوهش جمع نمرات سه خرده مقیاس سیستم روی آوری (فعال ساز) رفتاری در تجزیه و تحلیل وارد شده است.

ب) پرسش نامه ی تاب آوری: این پرسش نامه ی ۲۵ سؤالی را کانر و دیویدسون (۲۷) برای سنجش میزان تاب آوری افراد طراحی کردند. برای نمره گذاری این پرسش نامه از روش لیکرت (یک برای کاملاً غلط تا پنج برای کاملاً درست) استفاده شد. نمره ی کلی پرسش نامه از جمع نمرات به دست می آید. نمره ی بیشتر بیانگر میزان تاب آوری بیشتر فرد است.

سامانی و همکاران (۲۸) نیز ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷ را برای پایایی این آزمون به دست آوردند. آسکلند و همکاران (۲۹) در پژوهشی میزان آلفای کرونباخ این پرسش نامه را ۰/۸۲ گزارش کردند.

ج) پرسش نامه ی حل مسأله ی اجتماعی تجدیدنظر شده: برای سنجش مهارت حل مسأله، از پرسش نامه ی حل مسأله ی دزوریلا و همکاران (۳۰) استفاده شد. این پرسش نامه به شیوه ی لیکرت نمره گذاری و در آن نمره ی یک برای به هیچ وجه و نمره ی پنج برای خیلی زیاد در نظر گرفته می شود. این پرسش نامه دارای ۲۵ ماده و پنج خرده مقیاس است که پنج بُعد مختلف حل مسأله ی اجتماعی را اندازه می گیرد. جهت گیری مثبت به مسأله ^۲ (PPO) و حل منطقی مسأله ^۳ (RPS)،

شهرستان تالش بودند که به لحاظ سطح تحصیلات و جایگاه اجتماعی - اقتصادی با گروه دختران فراری هم تاسازی شدند. از میان جامعه ی دختران فراری، ۴۰ نفر به شیوه ی نمونه گیری در دسترس و به صورت داوطلبانه برای شرکت در مطالعه انتخاب شدند.

ملاک انتخاب نمونه ی دختران فراری مورد مطالعه عبارت بود از: نداشتن معلولیت جسمانی، اختلال روانی و عقب ماندگی ذهنی؛ برخورداری از سواد خواندن و نوشتن و سطح هوشی نرمال؛ داشتن سابقه ی حداقل یک بار فرار از منزل. نمونه ی گروه بهنجار را نیز ۴۰ نفر از دختران بدون سابقه ی فرار از منزل و مشکلات روان پزشکی تشکیل می دادند که از سطح هوشی نرمال برخوردار بودند و سابقه ی معلولیت جسمانی نداشتند و به طور تصادفی از میان دختران مشغول به تحصیل در مقطع دبیرستان و دختران مجامع عمومی شهرستان تالش انتخاب شده بودند. بدین ترتیب، نمونه ی این پژوهش شامل ۴۰ دختر فراری و ۴۰ دختر عادی بود.

ابزارهای پژوهش

الف) پرسش نامه ی سیستم های مغزی رفتاری: مقیاس بازداري / روی آوری را کروور و وایت (۲۴) طراحی کردند. این مقیاس که میزان فعالیت سیستم های مغزی - رفتاری را ارزیابی می کند، شامل ۲۰ ماده است که روی یک مقیاس پنج درجه ای لیکرت از نمره ی یک برای کاملاً مخالفم تا پنج برای کاملاً موافقم نمره گذاری می شود. این مقیاس دارای چهار خرده مقیاس شامل سه خرده مقیاس سیستم روی آوری (فعال ساز) رفتاری (BAS) و یک خرده مقیاس سیستم بازداري رفتاری (BIS) است. خرده مقیاس سیستم بازداري رفتاری با هفت ماده حساسیت این سیستم، خرده مقیاس سیستم روی آوری (فعال ساز) رفتاری با سه خرده مقیاس پاسخ دهی به پاداش (پنج ماده)، کشاننده (چهار ماده) و جست و جوی سرگرمی (چهار ماده) فعالیت این سیستم را اندازه می گیرد. خرده مقیاس پاسخ دهی به پاداش، میزان اهمیت پاداش در بروز عواطف مثبت را ارزیابی می کند. خرده مقیاس کشاننده، تمایل فرد به جست و جوی

1- The Social Problem-Solving Inventory-Revised

2- Positive Problem Orientation Scale

3- Rational Problem Solving Scale

یافته‌ها

در این پژوهش، ۴۰ دختر فراری و ۴۰ دختر عادی مطالعه شدند. میانگین سنی نمونه‌ی دختران فراری ۱۹/۳۵ ± ۲/۹۱ و نمونه‌ی دختران عادی ۱۹/۲۲ ± ۲/۷۳ بود. تقریباً نیمی از نمونه‌ی دختران فراری و بهنجار تحصیلات راهنمایی داشتند و نیمی دیگر دیپلمه بودند. ۸۵ درصد دختران فراری با هر دو والد، ۱۲/۵ درصد با پدر و ۲/۵ درصد با مادر خود زندگی می‌کردند. ۸۰ درصد گروه دختران بهنجار نیز با هر دو والد، ۱۵ درصد با پدر و پنج درصد نیز با مادرانشان زندگی می‌کردند. شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش در دو گروه دختران فراری و دختران بهنجار در جدول ۱ آمده است.

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین نمرات دختران فراری در سیستم فعال‌ساز رفتاری بیشتر از نمرات دختران بهنجار و فعالیت سیستم بازداری رفتاری دختران فراری کمتر از دختران گروه عادی است. در جهت‌گیری منفی به حل مسأله، سبک تکانشی/بی‌احتیاط و سبک اجتنابی نیز دختران فراری از گروه بهنجار، میانگین‌های بیشتری کسب کردند. همچنین در جهت‌گیری مثبت به حل مسأله، حل منطقی مسأله و نمره‌ی حل کلی مسأله، افراد بهنجار نمرات بیشتری به دست آوردند. تاب‌آوری دختران فراری هم کمتر از دختران عادی بود.

در ادامه‌ی تجزیه و تحلیل داده‌ها، برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از آزمون t و X^2 به منظور بررسی هم‌تا بودن دو گروه دختران فراری و بهنجار (از نظر سن، سطح تحصیلات و وضعیت زندگی با والدین) استفاده شد. بررسی آزمون t برای بررسی هم‌تا بودن سن گروه‌ها ($t = 0.68, P > 0.05$) نشان می‌دهد که گروه‌ها با هم هم‌تا هستند. همچنین بررسی نتایج آزمون X^2 برای آزمون هم‌تا بودن سطح تحصیلات و وضعیت

خرده‌مقیاس‌های حل‌سازنده‌ی مسأله هستند و به صورت مثبت نمره‌گذاری می‌شوند، اما دیگر مقیاس‌ها که شامل سبک تکانشی و بی‌احتیاطی^۱ (ICS)، سبک اجتنابی^۲ (AS) و جهت‌گیری منفی به مسأله^۳ (NPO) هستند، خرده‌مقیاس‌های حل‌ناکارآمد مسأله را تشکیل می‌دهند و به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند.

بنابراین برخورداری از توانایی حل مسأله‌ی اجتماعی را با نمرات بالا در جهت‌گیری مثبت به مسأله و حل منطقی مسأله مشخص می‌کنند، درحالی‌که توانایی ضعیف در حل مسأله‌ی اجتماعی با نمرات پایین در جهت‌گیری مثبت به مسأله و حل منطقی مسأله و همچنین نمرات بالادر جهت‌گیری منفی به مسأله، سبک تکانشی و بی‌احتیاطی، و سبک اجتنابی مشخص می‌شود.

پایایی آزمون بین ۰/۶۸ تا ۰/۹۵ گزارش شده است. روایی سازه نیز با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی و همبستگی با دیگر مقیاس‌های حل مسأله و سازه‌های روان‌شناختی همپوش تأیید شده است (۳۰). در ایران نیز مخبری، درتاج، درکردی (۳۱)، ضریب آلفای ۰/۸۵ را برای پنج عامل گزارش کرده‌اند. این مقیاس به‌عنوان یک مقیاس مناسب برای حل مسأله‌ی اجتماعی، مورد تأیید همه‌ی تحلیل‌های روایی است.

مراحل اجرای پژوهش

برای اجرای پژوهش، پس از انجام هماهنگی‌های لازم با سازمان بهزیستی استان گیلان، به مراکز اورژانس اجتماعی مراجعه و پس از شرح هدف پژوهش برای آزمودنی‌ها و آماده کردن فضای روانی لازم برای برقراری ارتباط با آنها، درباره‌ی نحوه‌ی پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه‌ها توضیحاتی داده شد. پژوهشگر در روند پاسخ‌دهی آزمودنی‌ها حضور فعال داشت تا از پاسخ‌دهی تصادفی جلوگیری کرده و به هرگونه سؤال احتمالی پاسخ دهد. پس از تکمیل پرسش‌نامه‌ها، آنها جمع‌آوری، نمره‌گذاری و برای تجزیه و تحلیل نهایی آماده شدند. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، از تحلیل واریانس چندمتغیری (MANOVA)، آزمون t برای مقایسه‌ی دو گروه مستقل و نرم‌افزار SPSS_{۲۲} استفاده شد.

1- Impulsivity Carelessness Style Scale

2- Avoidance Style Scale

3- Negative Problem Orientation Scale

جدول ۱- میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای مورد مطالعه در دو گروه دختران فراری و بهنجار

متغیرها	فراری		بهنجار	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
سیستم بازداری رفتاری	۱۹/۷۵	۳/۴۴	۲۱/۳۳	۲/۹۴
سیستم فعال ساز رفتاری	۴۱/۵۳	۴/۸۸	۳۸/۲۸	۵/۸۰
جهت گیری مثبت به مسأله	۶/۱۳	۲/۳۳	۷/۵۷	۲/۸۱
جهت گیری منفی به مسأله	۸/۹۷	۲/۰۶	۷/۶۰	۲/۳۵
حل منطقی مسأله	۱۲/۹۰	۴/۶۸	۱۵/۳۸	۴/۸۱
سبک تکانشی / بی احتیاط	۱۴/۰۵	۲/۱۶	۱۱/۳۳	۲/۷۵
سبک اجتنابی	۱۲/۸۳	۳/۵۳	۱۰/۵۰	۲/۸۸
حل مسأله (نمره ی کلی)	۹/۳۸	۲/۸۴	۱۲/۶۳	۳/۳۸
تاب آوری	۵۱/۸۰	۸/۹۸	۵۷/۲۷	۱۰/۷۶

نشان داد که واریانس نمرات در متغیرهای سیستم های فعال ساز و بازدارنده ی رفتاری معنادار نیست ($F=۳/۹۵$ ، $p>۰/۰۵$) و بدین ترتیب شرط همگنی واریانس برقرار است. برای بررسی ماتریس واریانس-کوواریانس نیز از آزمون ام. باکس استفاده شد که نتایج آن نشان داد، همگنی ماتریس واریانس-کوواریانس رعایت شده ($F=۰/۷۷$ ، $P>۰/۰۵$) و حاکی از آن است که ماتریس کوواریانس های مشاهده شده ی متغیرهای وابسته برای سطوح متغیر مستقل برابرند و بدین ترتیب استفاده از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری برای آزمون فرضیه ی پژوهش مانعی ندارد. همان طور که در جدول ۲ مشاهده می شود، F به دست آمده در هر چهار آزمون معنادار است و ضریب اتا نشان

زندگی با والدین در دو گروه دختران فراری و بهنجار ($x^2=۴/۰۹$ ، $P>۰/۰۵$) نیز حاکی از فقدان تفاوت معنادار دو گروه از نظر سطح تحصیلات و وضعیت زندگی با والدین است. بنابراین دو گروه مورد مطالعه از نظر سن، وضعیت تحصیلی و وضعیت زندگی با والدین همتا شده و تفاوت معناداری نداشتند. برای مقایسه ی فعالیت سیستم های مغزی- رفتاری دو گروه دختران فراری و دختران عادی، آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری (MANOVA) به کار رفت. برای استفاده از این آزمون، برقراری مفروضه های آن الزامی است. یکی از این مفروضه ها، برابری واریانس گروه ها و دیگری برابری ماتریس واریانس-کوواریانس است. نتایج آزمون لوین برای بررسی برابری واریانس ها

جدول ۲- نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیری گروه ها در سیستم های مغزی رفتاری ($n=۸۰$)

نام آزمون	مقدار	F	سطح معناداری	مجذور اتا
اثر پیلایی	۰/۱۵۶	۷/۱۱	۰/۰۰۰	۰/۹۹
لامبدای ویلکز	۰/۴۸	۷/۱۱	۰/۰۰۰	۰/۹۹
اثر هتیلنگ	۱/۰۸	۷/۱۱	۰/۰۰۰	۰/۹۹
بزرگ ترین ریشه خطا	۱/۰۸	۷/۱۱	۰/۰۰۰	۰/۹۹

واریانس چندمتغیری معنادار بود، در ادامه از آزمون تحلیل واریانس تک متغیری در متن مانوا استفاده شد (جدول ۳).

می دهد که $۰/۹۹$ واریانس متغیرهای وابسته با عضویت در گروه تبیین می شود. از آنجا که نتایج آزمون تحلیل

جدول ۳ نشان می‌دهد که تفاوت فعالیت سیستم‌های مغزی- رفتاری دو گروه دختران فراری و عادی معنادار
جدول ۳- نتایج تحلیل واریانس تک‌متغیری مقایسه‌ی سیستم‌های مغزی- رفتاری دو گروه مورد مطالعه

متغیر شاخص	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معناداری	اندازه‌ی تأثیر
سیستم فعال‌ساز رفتاری	۲۱۱/۲۵۰	۱	۲۱۱/۲۵۰	۷/۳۴	۰/۰۰۸	۰/۷۶
سیستم بازداری رفتاری	۴۹/۶۱	۱	۴۹/۶۱	۴/۸۴	۰/۰۳	۰/۵۸

آزمون لوین) و برابری ماتریس واریانس-کوواریانس (با استفاده از آزمون ام. باکس) بررسی شد. نتایج آزمون لوین بیانگر برابری واریانس گروه‌ها در متغیر وابسته (۲/۴۱، ۰/۸۶، ۱/۱۶، ۱/۴۷، $F=۲/۳۸$ ، $p>۰/۰۵$) بود و نتیجه‌ی آزمون باکس همسانی ماتریس واریانس- کوواریانس را نشان داد ($F=۱/۳۵$ ، $P>۰/۰۵$)؛ بدین ترتیب استفاده از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری برای آزمون فرضیه‌ی پژوهش بدون مانع است.

آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره نشان داد که نمرات سبک‌های حل مسأله در دو گروه دختران فراری و بهنجار تفاوت معناداری دارد؛ به این معنا که گروه

است. با مراجعه به میانگین سیستم فعال‌ساز رفتاری و بازداری رفتاری دو گروه مشخص می‌شود (جدول ۱) که در دختران فراری سیستم فعال‌ساز رفتاری و در دختران عادی سیستم بازداری رفتاری فعال‌تر است. به بیان دیگر، میزان فعالیت سیستم فعال‌ساز رفتاری دختران فراری بیشتر و میزان فعالیت سیستم بازداری رفتاری آنها کمتر از دختران عادی است.

برای مقایسه‌ی سبک‌های حل مسأله در دو گروه مورد مطالعه نیز آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری به کار رفت و برای استفاده از این آزمون، مفروضه‌های آزمون یعنی برابری واریانس گروه‌ها در متغیر وابسته (با استفاده از

جدول ۴- نتایج آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره نمرات حل مسأله در دو گروه دختران فراری و بهنجار ($n=۸۰$)

نام آزمون	مقدار	F	سطح معناداری	مجذور اتا
اثر پیلاپی	۰/۳۰	۶/۴۱	۰/۰۰۰	۰/۹۹
لامبدای ویلکز	۰/۷۰	۶/۴۱	۰/۰۰۰	۰/۹۹
اثر هتیلنگ	۰/۴۳	۶/۴۱	۰/۰۰۰	۰/۹۹
بزرگ‌ترین ریشه خطا	۰/۴۳	۶/۴۱	۰/۰۰۰	۰/۹۹

دختران فراری و دختران بهنجار حداقل از نظر یکی از سبک‌های حل مسأله تفاوت معناداری دارند. مجذور اتا (که در واقع مجذور ضریب همبستگی بین متغیرهای وابسته و عضویت گروهی است) نشان می‌دهد که تفاوت بین دو گروه با توجه به متغیرهای وابسته در مجموع معنادار و میزان این تفاوت ۹۹ درصد است. یعنی ۹۹ درصد واریانس مربوط به اختلاف بین دو گروه در تأثیر متقابل متغیرهای وابسته است. در جدول ۵، نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره آمده است.

جدول ۵ نشان می‌دهد که گروه دختران فراری در جهت‌گیری منفی به مسأله، سبک تکانشی/بی‌احتیاط از سبک اجتنابی با گروه دختران عادی تفاوت معناداری دارند. جدول ۱ و مقایسه‌ی میانگین دو گروه در سبک‌های حل مسأله مشخص کرد که نمرات دختران فراری در سبک‌های حل تکانشی/بی‌احتیاط مسأله، جهت‌گیری منفی به مسأله و سبک تکانشی بیشتر از گروه بهنجار است.

همچنین میانگین گروه دختران بهنجار در جهت‌گیری مثبت به مسأله، حل مسأله و حل منطقی مسأله و تاب‌آوری، بیشتر از گروه دختران فراری بود. به بیان دیگر، دختران فراری در مقایسه با دختران عادی بیشتر از سبک‌های منفی و ناکارآمد حل مسأله استفاده می‌کنند.

دختران فراری و دختران بهنجار حداقل از نظر یکی از سبک‌های حل مسأله تفاوت معناداری دارند. مجذور اتا (که در واقع مجذور ضریب همبستگی بین متغیرهای وابسته و عضویت گروهی است) نشان می‌دهد که تفاوت بین دو گروه با توجه به متغیرهای وابسته در مجموع معنادار و میزان این تفاوت ۹۹ درصد است. یعنی ۹۹ درصد واریانس مربوط به اختلاف بین دو گروه در تأثیر متقابل متغیرهای وابسته است. در جدول ۵، نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره آمده است.

جدول ۵ نشان می‌دهد که گروه دختران فراری در جهت‌گیری منفی به مسأله، سبک تکانشی/بی‌احتیاط

جدول ۵- نتایج تحلیل واریانس تک متغیره ی مقایسه ی سبک های حل مسأله در دو گروه مورد مطالعه

متغیر شاخص	مجموع مجذورات	درجه ی آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معناداری	اندازه ی تأثیر
جهت گیری مثبت به مسأله	۴۲/۰۵	۱	۴۲/۰۵	۶/۲۸	۰/۰۱۴	۰/۷۰
جهت گیری منفی به مسأله	۳۷/۸۱	۱	۳۷/۸۱	۷/۷۱	۰/۰۰۷	۰/۷۸
حل منطقی مسأله	۱۲۲/۵۱	۱	۱۲۲/۵۱	۵/۴۳	۰/۰۲۲	۰/۶۳
سبک تکانشی/بی احتیاط	۱۴۸/۵۱	۱	۱۴۸/۵۱	۲۴/۲۰	۰/۰۰۰	۰/۹۹
سبک اجتنابی	۱۰۸/۱۱	۱	۱۰۸/۱۱	۱۰/۳۹	۰/۰۰۲	۰/۹۰

واریانس گروه هاست. نتایج آزمون t برای مقایسه ی دو گروه مستقل در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶ نشان می دهد که دو گروه دختران فراری و عادی در تاب آوری و توانایی حل مسأله تفاوت معناداری دارند. بررسی میانگین دو گروه حاکی از آن است که دختران فراری در مقایسه با دختران عادی،

سبک تکانشی / بی احتیاط بیشترین ضریب تأثیر را دارد. در ادامه، برای مقایسه ی تاب آوری و نمره ی کلی حل مسأله دو گروه دختران فراری و عادی از آزمون t دو گروه مستقل استفاده شد. یکی از مفروضه های این آزمون برابری واریانس گروه هاست که نتایج آزمون لوین حاکی از عدم معناداری آماره ی لوین و برابری

جدول ۶- مقایسه ی حل کلی مسأله و تاب آوری دو گروه دختران فراری و بهنجار

sig	T	df	انحراف استاندارد	میانگین	گروه	
۰/۰۱	-۲/۴۸	۷۸	۸/۸۹	۵۱/۸۰	دختران فراری	تاب آوری
					دختران عادی	
۰/۰۰۰	-۴/۶۵	۷۸	۲/۸۴	۹/۳۸	دختران فراری	حل کلی مسأله
					دختران عادی	

شرطی (مثل نشانه های تنبیه یا فقدان/خاتمه ی پاداش) حساس است و با اضطراب رابطه دارد. این سیستم مسؤل کنار آمدن با موقعیت هایی است که ورود به آنها با تهدید همراه است (۳۴). سیستم بازداری رفتاری برای تشخیص و ارزیابی خطر، رفتار جاری را بازداری و تا زمان برطرف شدن تعارض، توجه را به تهدید بالقوه معطوف می کند؛ در واقع مسؤل ارزیابی تهدید و اجرای تمهیدات لازم برای دوری از پیامدهای منفی است (۳۵). سیستم بازداری رفتاری وجه منفی محرک ها را تا زمانی که حل مسأله ی آسیب زا محقق شود، تشدید می کند. به عبارتی، به ارگانیزم این گونه القا می کند که "مواظب خطر باش". این حالت به شکل نگرانی و نشخوار فکری تجربه می شود. این سیستم نقش زیادی در بازداری رفتارهای پرخطر دارد (۳۴). گمچی و خادمی (۳۶) و

تاب آوری کمتری داشته و از سبک های حل ناکارآمدتر مسأله استفاده می کنند.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر فعالیت سیستم های مغزی رفتاری، تاب آوری و توانایی حل مسأله ی اجتماعی در دختران فراری و بهنجار را مقایسه کرده است. نتایج تحلیل واریانس چند متغیره نشان داد که میانگین نمرات دختران فراری در سیستم فعال ساز رفتاری به صورت معناداری بیشتر از نمرات دختران بهنجار است و در سیستم بازداری رفتاری، میانگین نمرات دختران عادی (همسو با پژوهش های پیشین (۳۲، ۳۳) به طور معناداری بیشتر از دختران فراری است. سیستم بازداری رفتاری نسبت به محرک های ناخوشایند

از پیش‌بین‌های قدرتمند رفتارهای پرخطر شناخته شده است (۴۱).

یکی دیگر از یافته‌های پژوهش حاضر، همسو با پژوهش‌های قبلی (۴۲ و ۴۳)، این است که تاب‌آوری دختران فراری به‌صورت معناداری کمتر از دختران بهنجار است. تاب‌آوری متغیر تعیین‌کننده‌ی پاسخ‌های فرد به موقعیت‌های مختلف است که این تعیین‌کنندگی در موقعیت‌های استرس‌زا و پرفشار بیشتر می‌شود. افراد دارای تاب‌آوری زیاد، در موقعیت‌های دشوار و استرس‌زا توانایی هماهنگی بیشتری با موقعیت‌های جدید دارند و سازگاری خوبی از خود نشان می‌دهند (۴۴). با توجه به وجود عوامل فشارزا در محیط اجتماعی، خانوادگی، تحصیلی و زندگی دختران فراری (۴)، تاب‌آوری از عوامل تعیین‌کننده‌ی نوع واکنش و پاسخ‌دهی دختران به این موقعیت است و می‌تواند نحوه‌ی مقابله آنها را تعیین کند (۴۵).

در مطالعات بی‌شماری مشخص شده که افراد دارای تاب‌آوری بیشتر احتمالاً بیشتر از افراد با تاب‌آوری کمتر، در جست‌وجوی راه‌حل‌های مناسب برای حل مشکلات و مسائلشان برمی‌آیند و به بهترین شکل به موقعیت‌های استرس‌زا پاسخ می‌دهند (۴۶). تاب‌آوری به عنوان یک منبع مقاومت درونی، تأثیرات منفی استرس را کاهش داده و از بروز اختلالات بدنی و روانی پیشگیری می‌کند. شاید بتوان گفت که افراد تاب‌آور، برای برخورد با مشکلات از شیوه‌ی فعال حل مسأله؛ یعنی شیوه‌ای که فشار روانی را به تجربه‌ای بی‌خطر تبدیل می‌کند، بهره می‌گیرند و بنابراین سطح نگرانی افراد سرسخت در شرایط حساس و استرس‌زا بسیار پایین است (۴۷). افراد دارای تاب‌آوری زیاد در مواجهه با پیشامدهای ناگوار، به رویارویی موفق و کارآمد در برابر استرس‌ها امیدوارند، از توانایی یافتن معنا در تجارب آشفته‌ساز برخوردارند و به نقش خود به عنوان فرد ارزشمند و بااهمیت باور دارند (۴۸).

برای دختران فراری، فرار از خانه، راهبردی است جهت دوری از شرایط نامناسب روانی و فیزیکی خانه. این افراد

فرانکن و موریس (۳۷) معتقدند که فعالیت بیشتر سیستم بازداری رفتاری در افراد سالم نوعی عامل محافظت‌کننده به حساب می‌آید. فعالیت زیاد سیستم بازداری رفتاری با ارزیابی‌های شناختی از تهدید، خارج از کنترل بودن و استرس ادراک‌شده‌ی زیاد، سبب به‌کارگیری راهبردهای کنارآمدن هیجان‌مدار و اجتنابی و متعاقباً باعث دوری از منابع خطر و رفتارهای پرخطر می‌شود (۳۸).

سیستم روی‌آوری (فعال‌ساز) رفتاری که حساسیت آن در قبال محرک‌های شرطی خوشایند بوده و در حضور محرک‌های مرتبط با پاداش یا فقدان تنبیه فعال می‌شود، با تکانش‌گری مرتبط است. افرادی که حساسیت سیستم روی‌آوری (فعال‌ساز) رفتاری تری دارند، به سرنخ‌های پاداش، پاسخ رفتاری بیشتری داده و عاطفه‌ی مثبت را تجربه می‌کنند. سیستم روی‌آوری (فعال‌ساز) رفتاری مسؤل پاسخ‌دهی به تمامی محرک‌های خوشایند (شرطی و غیرشرطی) بوده و با ویژگی‌های شخصیتی نظیر مثبت‌اندیشی، تکانش‌گری و خطرپذیری رابطه دارد (۳۴). بسیاری از بررسی‌ها، از نقش سیستم روی‌آوری (فعال‌ساز) رفتاری و زیرمقیاس‌های آن در بروز رفتارهای پرخطر خبر می‌دهند (۳۹). پدیده‌ی فرار از خانه هم نوعی رفتار پرخطر است (۳۲).

یکی از ویژگی‌های فعالیت سیستم فعال‌ساز رفتاری، جست‌وجوی لذت و رفتار تکانش‌گرایانه است. جست‌وجوی لذت به رفتارهای تکانشی که به دنبال تجربه‌ی لذت و هیجان هستند، اشاره داشته و ارتباط زیادی با تکانش‌گری دارند (در مطالعات قبلی ارتباط تکانش‌گری با رفتارهای پرخطر ثابت شد) (۴۰). به همین دلیل می‌توان نتیجه گرفت که جست‌وجوی لذت در دختران فراری یکی از عوامل زمینه‌ساز و بروز فرار است.

یکی دیگر از خصیصه‌های سیستم فعال‌ساز رفتار، پاسخ‌دهی به پاداش است که موجب می‌شود فرد به رفتارهای تکانشی و رفتارهایی که علیرغم پیامدهای منفی منجر به لذت می‌شود، دست بزند. این متغیر با رفتارهای پرخطر رابطه‌ی مستقیم دارد و به‌عنوان یکی

موارد با ارزیابی کردن این سیستم، صفات یا رگه‌های شخصیتی پاتولوژیک را قبل از شکل‌گیری و تثبیت آنها جهت‌دهی یا اصلاح کنیم.

همچنین با ارزیابی مهارت‌های حل مسأله و تاب‌آوری دختران، می‌توان در سطح فردی و خانوادگی آموزش‌های لازم را به آنان داد تا بدین طریق از فرار آنها و آسیب‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی ناشی از آن پیشگیری کرد. از محدودیت‌های مطالعه‌ی حاضر استفاده از روش نمونه‌گیری دردسترس است، در حالی که استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی در مطالعات آتی می‌تواند میزان اعتماد به نتایج و گسترش دایره‌ی تعمیم را افزایش دهد. همچنین از آنجا که این پژوهش روی نمونه دختران صورت گرفته، لذا در تعمیم نتایج آن به پسران باید احتیاط شود.

فرار از خانه را راهی برای یافتن مکانی دیگر و رهایی از این تنش در نظر می‌گیرند (۴۲). در خانواده‌ی این افراد عوامل آسیب‌زای زیادی مانند اعتیاد والدین، طلاق، بزهکاری، سوءاستفاده‌های جنسی، رفتارهای پرخطر و بدرفتاری جسمی و روانی وجود دارد (جانسون و همکاران، ۲۰۰۵). تاب‌آوری این والدین در سطوح پایین قرار داشته و با تأثیرگذاری مستقیم بر تاب‌آوری فرزندان، منجر به کاهش تاب‌آوری آنها می‌شود (۴۳).

همچنین تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که میانگین نمرات دختران فراری در جهت‌گیری منفی به حل مسأله، سبک تکانشی/بی‌احتیاط و سبک اجتنابی (همسو با پژوهش‌های قبلی (۴۲، ۴۹)، به صورت معناداری بیشتر از گروه بهنجار است. در جهت‌گیری مثبت به حل مسأله، حل منطقی مسأله و نمره‌ی کلی حل مسأله نیز افراد بهنجار با تفاوتی معنادار نمرات بیشتری به دست آوردند.

با توجه به شیوع زیاد اضطراب و افسردگی در دختران فراری و تأثیر منفی اضطراب و افسردگی بر توانایی حل مسأله، ناتوانی دختران در حل مسائلی که با آنها مواجه می‌شوند، دور از انتظار نیست. تبیینی که برای این یافته می‌توان ارائه کرد این است که جهت‌گیری منفی به حل مسأله، در واقع نشانگر سوگیری ذهنی این افراد به پاسخ‌های مختلفی است که می‌توان به یک مسأله داد. سوگیری ذهنی می‌تواند منجر به جهت‌گیری منفی راهبردهای حل مسأله شده و این جهت‌گیری نیز ناشی از اضطراب و افسردگی و دیگر مشکلات روان‌شناختی باشد (۵۰).

افراد تکانش‌گر بدون در نظر گرفتن تأثیرات فعالیت خود دست به اقدامات عاجل می‌زنند. این افراد در مهار پاسخ خود مشکل دارند و پاداش آنی را به پاداش‌های تأخیری ترجیح می‌دهند. در واقع، افراد تکانش‌گر در پردازش اطلاعات برای یافتن راه‌حل مسائل و انجام موفقیت‌آمیز آنها مشکل دارند (۵۱). بنابراین، با توجه به عملکرد سیستم‌های مغزی رفتاری افراد قادر خواهیم بود بسیاری از صفات شخصیتی آنها را شناسایی و حتی در برخی

دریافت مقاله: ۹۴/۶/۸؛ پذیرش مقاله: ۹۵/۶/۲

منابع

1. Hosseini FS, Jamshidi B. The comparison coping strategies in runaway and normal girls. *Knowledge and Research in Applied Psychology* 2015;15(1):66-70.[Persian]
2. Attar-Schwartz S. Runaway behavior among adolescents in residential care: The role of personal characteristics, victimization experiences while in care, social climate, and institutional factors. *Children and Youth Services Review* 2013;35(2):258-267.
3. Hatch SL. Conceptualizing and identifying cumulative adversity and protective resources: Implications for understanding health inequalities. *The Journal of Gerontology, Series B: Psychological Sciences and Social Sciences* 2005;60: 130-134.
4. Butler AC. Child sexual assault: Risk factors for girls. *Child Abuse & Neglect* 2013; 37(9):643-652.
5. Lloyd DA, Turner RJ. Cumulative adversity and posttraumatic stress disorder: Evidence from a diverse community sample of young adults. *American Journal of Orthopsychiatry* 2003;73:381-391.
6. Kennedy AC. Homelessness, violence exposure, and school participation among urban adolescent mothers. *Journal of Community Psychology* 2007; 35: 639-654.
7. Tice DM, Baumeister RF, Shmueli D, Muraven M. Restoring the self: Positive affect helps improve self-regulation following ego depletion. *Journal of Experimental Social Psychology* 2007;43: 379-384.
8. Hamilton KR, Ansell EB, Reynolds B, Potenza MN, Sinha R. Self-reported impulsivity, but not behavioral choice or response impulsivity, partially mediates the effect of stress on drinking behavior. *Stress* 2013; 16: 3-15.
9. Gray J. The psychophysiological basis of introversion-extraversion: A modification of Eysenck's theory. In:Nebylitsyn V, Gray J, editors. *The biological bases of individual behavior*. San Diego, CA: Academic Press; 1972.
10. Moeller FG, Barratt ES, Dougherty DM, Schmitz JM, Swann AC. Psychiatric aspects of impulsivity. *The American Journal of Psychiatry* 2001;158:1783-1793.
11. O'Connor R, Stewart S, Watt M. Distinguishing BAS risk for university students' drinking, smoking, and gambling behaviors. *Personality and Individual Differences* 2009;46:514-519.
12. Hamilton KR, Sinha R, Potenza MN. Hazardous drinking and dimensions of impulsivity, behavioral approach, and inhibition in adult men and women. *Alcoholism, Clinical and Experimental Research* 2012;36:958-966.
13. Lejuez CW, Magidson JF, Mitchell SH, Sinha R, Stevens MC, deWit H. Behavioral and biological indicators of impulsivity in the development of alcohol use, problems, and disorders. *Alcoholism, Clinical and Experimental Research* 2010;34:1334-1345.
14. Volkow ND, Wang GJ, Tomasi D, Baler RD. Obesity and addiction: Neurobiological overlaps. *Obesity Reviews* 2013;14:2-18.
15. McEwen BS. The neurobiology of stress: From serendipity to clinical relevance. *Brain Research* 2000;886:172-189.
16. Tyler KA, Hageman KJ, Melander LA. Risk factors for running away among a general population sample of males and females. *Youth and Society* 2011;43(2):583-608.
17. Sandvik AM, Hansen AL, Hystad SW, Johnsen BH, Bartone PT. Psychopathy, anxiety, and resiliency-Psychological hardiness as a mediator of the psychopathy-anxiety relationship in a prison setting. *Personality and Individual Differences* 2015;72:30-34.
18. Bonanno GA. Loss, trauma, and human resilience. *American Psychologist* 2004;59:20-28.
19. Unger JB, Kipke MD, Simon TR, Johnson CJ, Montgomery SB, Iverson E. Stress, coping, and social support among homeless youth. *Journal of Adolescent Research* 1998;13:134-157.
20. Abolghasemi A, Kiamarsi A. The study of social problem solving and with narcissistic and psychopathic personality characteristics and it's component in students of Ardebil city. *Psychological Studies*, 2005;5(4):10-26. [Persian]
21. Kwok SY, Yeung JWK, Low AYT, Lo HHM, Tam CHL. The roles of emotional competence and social problem-solving in the relationship between physical abuse and adolescent suicidal ideation in China. *Child Abuse & Neglect* 2015; 44: 117-129.

23. Haghghat doost Z. The factors of runaway girls of home. *Journal of Social Welfare* 2009;3(13):76-80. [Persian]
24. Carver CS, White, TL. Behavioral inhibition, behavioral activation, and affective responses to impending reward and punishment: The BIS/BAS Scales. *Journal of Personality and Social Psychology* 1994;67:319-333.
25. Johnson KD, Whitbeck D, Hoyt DR. Predictors of social network composition among homeless and runaway adolescents. *Journal of Adolescence* 2005; 28(2): 231-248.
26. Atrifard M. The relationship between brain behavioral systems and prone to feelings of shame and guilt. [dissertantion]. Tehran: Tarbiat Modares University; 2012. [Persian]
27. Conner KM, Davidson JR. Development of a new resilience scale: the Connor-Davidson Resilience Scale (CD-RISC). *Depression & Anxiety* 2003; 18(2): 76-82.
28. Samani S, Jokar B, Sahragard N. Resiliency, mental health and life satisfaction. *Iranian Journal of Psychiatry and clinical Psychology* 2005;13(3): 290-295. [Persian]
29. Askeland K, Hysing M, Aarø LE, Tell GS, Sivertsen B. Mental health problems and resilience in international adoptees: Results from a population-based study of Norwegian adolescents aged 16-19 years. *Journal of Adolescence* 2015;44:48-56
30. D’Zurilla TJ, Nezu AM, Maydeu-Olivares A. *Social problem solving: Theory and assessment*. In: Chang E, D’Zurilla TJ, Sanna, LG, editors. *Social problem solving: Theory, research, and training*. Washington, DC: American Psychological; 2004.
31. Mokhberi A, Dortaj F, Darekordi A. The study of psychometric and standardization of social problem solving. *Journal of Educational Measurement* 2011;4(1):55-72. [Persian]
32. Slesnick N, Patton R, Dashora P. *Runaway Teens*. In: Prinstein BBJ. *Encyclopedia of Adolescence*. San Diego: Academic Press; 2011.
33. Voigt DC, Dillard JP, Braddock KH, Anderson JW, Sopory P, Stephenson MT. BIS/BAS scales and their relationship to risky health behaviors. *Personality and Individual Differences* 2009;47(2):89-93
34. Corr PJ. *Reinforcement Sensitivity Theory (RST): introduction*. In: Corr PG, editors. *The reinforcement sensitivity theory of personality*. Cambridge: Cambridge University Press; 2008.
35. Heym N, Lawrence C. The role of Gray’s revised RST in the psychopathy continuum: The relationships of psychoticism with a lack of fear and anxiety, and increased impulsivity. *Personality and Individual Differences* 2010;49(8):874-879.
36. Gomchi AM, Khademi A. The comparison brain behavioral systems in addicted and non addicted persons. *Journal of Police Medicine* 2014;3(2):67-76. [Persian]
37. Franken IHA, Muris P. BIS/BAS personality characteristics and college students’ substance use. *Personality and Individual Differences* 2006;40(7):1497-1503.
38. Williams AM, Hundt NE, Nelson-Gray R. BIS and cognitive appraisals in predicting coping strategies. *Personality and Individual Differences* 2014;59:60-64.
39. Balconi M, Finocchiaro R, Canavesio Y. Reward-system effect (BAS rating), left hemispheric “unbalance” (alpha band oscillations) and decisional impairments in drug addiction. *Addictive Behaviors* 2014;39(6): 1026-1032.
40. Heym N, Ferguson E, Lawrence C. An evaluation of the relationship between Gray’s revised RST and Eysenck’s PEN: Distinguishing BIS and FFFS in Carver and White’s BIS/BAS scales. *Personality and Individual Differences* 2008;45(8):709-715.
41. Treadway MT, Zald DH, Reconsidering anhedonia in depression: lessons from translational neuroscience. *Neuroscience, Biobehavior Review* 2011;35(3):537-555
42. Peled E, Cohavi, A. The meaning of running away for girls. *Child Abuse & Neglect* 2009;33(10):739-749.
43. Ogelman HG, Erol A. Examination of the predicting effect of the resiliency levels of Parents on the resiliency levels of preschool children. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 2015;186:461-466.
44. Perkins DF, Jones KR. Risk behaviors and resiliency within physically abused adolescents. *Child Abuse & Neglect* 2004;28(5):547-563.
45. Tarantino B, Earley M, Audia D, D’Adamo C, Berman B. Qualitative and Quantitative Evaluation of

- a Pilot Integrative Coping and Resiliency Program for Healthcare Professionals: EXPLORE. *The Journal of Science and Healing* 2013;9(1):44-47.
46. Friberg O, Barlaug D, Martinussen M, Rosenvinge JH, Hjemdal O. Resilience in relation to personality and intelligence. *International Journal of Methods in Psychiatry Research* 2005;14:29-42.
47. Huang C. Hardiness and stress: A critical review. *Maternal Child Nursing Journal* 2001;23:82-89.
48. Tugade MM, Fredrickson BL. Resilient individuals use positive emotions to bounce back from negative emotional experiences. *Journal of Personality and Social Psychology* 2004;86:320-333.
49. Dehbozorgi GR. A survey of the demographic, personality and psychopathology characteristics of the runaway girls. *European Psychiatry* 2011;26(1):275-286.
50. Olhaberry M, Zapata J, Escobar M, Mena C, Farkas C, Santelices MP, Krause M. Antenatal depression and its relationship with problem-solving strategies, childhood abuse, social support, and attachment styles in a low-income Chilean sample. *Mental Health & Prevention* 2014;2(3-4):86-97.
51. Franken A, Muri P. Individual differences in decision-making. *Perso and Individual Differences* 2005;39(3):991-998.